

«هو الحکیم»

عنوان:

تقدّس سازی به استناد کشف و خواب



دکتر باقر پورکاشانی

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْيَاسِرِ الْمَوْلَانِ



『@SERATEHAGHI』

تلقینات، القائنات، عقائد ما گاهی اوقات تو خواب ما اثر می گذارد. القائنات ما، گاهی اوقات، مکاشفه‌ای که فکر می کنی صورت گرفته، این مکاشفه‌ای نیست، فشارهای قوه‌ی دماغی شماست و باعث می شود شما چیزی را می بینید که واقعاً وجود خارجی ندارد! که حداعلايش نوعی بیماری است به نام مرض مالیخولیای! يك چیزهایی را شما می یابی که واقعا در خارج چنین چیزی نیست. با توجه به تمام این مسائل عرض کردیم که کشف نمی تواند حجیت داشته باشد، چون به خاطر این که کشف که فی حد نفسه حجت باشد، این در مقابل همه چی حجت است! یعنی این جا دیگر نباید تقابل بکند با عقل، اگر کشف تقابل با عقل بکند، یعنی مکاشفه‌ای باشد، خوابی باشد ضد عقل باشد، نشان می دهد این حجت نیست. چرا؟ چون با عقل داری می سنجی.

اگر چنانچه این مکاشفه شما ضد دین باشد، و شما می گویی آقا این شیطانی است! چرا می گویی شیطانی است! می گویی چون دینی است! پس شما با يك چیزی خارج از کشف و خواب این را سنجیدی. چیزی حجیت ذاتی دارد فی حد نفسه برای ما میزان و حجت است که باز چیز دیگری نخواهد روی آن نظر بدهد. الآن شما می آیی، می گویی که آقا بله، شما گفتی که کشف و شهود حجت نیست، آمدی ما را به شك انداختی، از کجا معلوم این حرفی هم که داری می زنی خودش يك القاء شیطانی نباشد، ببینید این حرفی که ما داریم می زنیم يك مطلب عقلی است، چون ما مکاشفاتی که داریم، مکاشفاتی که گزارش شده این ها ضد عقل است، مکاشفاتی داریم ضد نقل است، مکاشفاتی داریم اصلا عقل و نقل را کار نداریم مسائل مباح، هر کدام يك جوری کشف کرده اند.

و به علاوه امری به عنوان، تجسم و اوهام و تخیلات این وسط هست که سالک نمی تواند تشخیص بدهد واقعاً این کشف است، یا تجسم اوهام و تخیلات است. ما گاهی اوقات، اهتمام به کاری که می‌ورزیم شب خوابش را می بینیم. خب وقتی شما همش القاء بکنی، القاء بکنی، القاء بکنی

رو يك تفکری، رو يك عقیده‌ای، فرق نمی کند، سنی باشی؛ گاهی وقت‌ها اولیاء خودت را در خواب می‌بینی، در اعلاء درجه‌اند، یمانی باشی ولی خودت را در خواب می‌بینی در اعلاء درجه است. شیعه باشی، شیعه اثنی عشری باشی

دوازده امام را می‌بینی در اعلاء درجه‌اند. از کجا معلوم این چیزهایی که شما دیده‌ای واقعاً این‌ها حقیقت است! چون سنی هم شبیه همین را دیده است،

ابن عربی در مکاشفات و خواب‌ها هم گزارش فراوان کرده، می‌گوید؛ در کشف دیدم که ابوبکر و عمر، مقامشان از علی بن ابی طالب بالاتر بود! علی علیه‌السلام هم دیده در خواب! حالا واقعا او حضرت علی علیه‌السلام بوده یا نبوده را من کاری ندارم. آن جا تو خواب فهمیده که این آقا علی بن ابی طالب است، می‌گوید؛ يك گوشه‌ای دیدم کنار عیسی بن مریم دارد ترجمه می‌کند حرف‌های حضرت عیسی را، مترجم حضرت عیسی علیه‌السلام است، اما ابوبکر و عمر مرتبه‌ی بالا دارند! ما نمی‌گوییم شیطانی است، ما نمی‌گوییم ایشان دروغ گفته است، نه! ایشان عارف بزرگواری، دروغ نگفته، اما چه بسا تجسم اوهام و تخیلات این فرد بوده، کسی که در فتوحات مکیّه می‌گوید؛ عمر بن خطاب معصوم است، چرا؟ دلیل می‌آورد می‌گوید؛ وقتی شیطان وقتی عمر را می‌دید فرار می‌کرد، چنین نگاهی را نسبت به خلیفه‌ی دوم دارد، خب قطعاً در خواب می‌بیند که خلیفه‌ی دوم مقامش از علی بن ابی طالب بالاتر است.

از کجا می توانی بگویی از ناحیهی رحمان است، از ناحیهی شیطان هم نمی خواهم بگویم هست، نمی خواهم بگویم این کشفی که جناب ابن عربی داشته خواب شیطانی بوده، نه! سه تا چهره دیده، چهار تا چهره دیده،

چهار تا چهره‌ی نورانی هم دیده. ابوبکر را تو خواب دیده، عمر را دیده، عیسی را دیده، علی بن ابی طالب را هم دیده؛ دیده علی بن ابی طالب مترجم حضرت عیسی است، این دو تا هم دیده، اصلا این‌ها واقعا آقا علی بن ابی طالب این شکل باشد یا نباشد، معلوم نیست.

و این را گزارش کرده، شما ببینید در فتوحات و در فصوص این را گزارش کرده. خب این شخصیتی مثل ابن عربی که مظهر عرفان نظری که در ارتباط با ایشان است. که بعد از ایشان، هفتصد سال پیش تا الآن، عرفای دیگه وام گرفته از عرفان ایشان هستند؛

قیصری، وام گرفته از مبانی ابن عربی است، سایر بزرگان وام گرفته از عرفان ابن عربی است. عرفانی که چنین چیزی توی آن گزارش شده، همچین مکاشفاتی دارد.